

انتخاب هوشمندانه در انتخابات شورای شهر

با نزدیک شدن به انتخابات شوراهای اسلامی، کاندیداهای احتمالی در تب و تاب یارگیری بوده و تلاش می کنند با جلب نظر افراد با نفوذ و چهره های معروف برای خود موقعیتی مناسب در انتخابات رقم بزنند.

در چنین مواقعی یکی از افشاری که بیشتر مورد توجه قرار گرفته و کاندیداها و نامزد ها تا مرحله پای صندوق های رای، قربان و صدقه شان می روند جامعه ورزشی و ورزشکاران و وابستگان به این قشر می باشد.

بحث ورزش و سیاست یکی از مباحث مهمی است که باید مورد توجه قرار بگیرد. در برخی موارد شنیده می شود که عده ای ادعا می کنند که ورزش نباید سیاسی باشد. این ادعا حرف درستی است، در این معنی که جامعه ورزش و دوست اندرکاران آن و ورزشکاران افتخارآفرین نباید مورد سوءاستفاده سیاستمداران و سیاسی کاران قرار بگیرند و در جریان دعواها و کشمکش های سیاسی و جناحی بازیچه شوند و به آسانی و مفت و ارزان خرج شوند. این که ورزش نباید به ابزار دست باندها و جریان های سیاسی تبدیل شود و در خدمت اهداف حزبی و گروهی آنها قرار بگیرد حرفی منطقی، اصولی و قابل قبول است و عملی کردن آن می تواند سعادت و موفقیت اهالی جامعه ورزش را به دنبال داشته باشد.

و اما ورزش یک امر اجتماعی و عمومی است که باید همسو و هماهنگ با سیاست های کلی نظام باشد و حرکت آن در راستای منافع ملی و در خدمت مصالح عمومی کشور و نظام باشد. اما این که در برخی اوقات عده ای بیان می کنند که ورزش باید به دور از هرگونه نظارت و باید ها و نباید های ارزشی باشد و یا به عبارتی دیگر می گویند ورزش باید برای ورزش باشد، این حرف قابل قبول نبوده و در نوع خود سیاسی ترین حرفی است که بر زبان ها جاری می شود.

ورزش برای ورزش یعنی ورزشی که وجود دارد اما ماهیت و هویت ندارد. طرفداران این نظر و کسانی که پرچم و لوای ورزش برای ورزش برافراشته می کنند، می خواهند که هویت و ماهیت مورد نظر خود را به ورزش تحمیل نمایند.

ناگفته پیداست برای این که ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی بتواند به وظیفه اش در قبال جامعه به خوبی عمل نماید باید از یک سیاست و روش خاصی پیروی و در چارچوب مشخصی از نظام ارزش ها (بایدها و نبایدها) حرکت نماید.

پس یکی از مهم ترین ، اساسی ترین و بالاترین وظیفه جامعه ورزش در مواردی که به حضور آنها در صحنه نیاز است ادای وظیفه و همگام شدن با اکثریت مردم و تلاش برای آبادانی مملکت و حرکت در چارچوب نظام و قوانین مربوط به آن می باشد. حضور در انتخابات نمونه بارزی از ادای دین ورزشی ها و ورزشکاران به کشور خود می باشد. جامعه ورزش چه در سطح کشور و چه در استان قهرمان پرور اردبیل همیشه در این بحث پیش قدم بوده و در همه انتخابات ادای تکلیف کرده و برای حضور گسترده مردم در پای صندوق های رای از هیچ کوششی دریغ نکرده و همیشه در صف مقدم اطاعت از رهبری قرار داشته اند.

در حضور یکپارچه ورزشکاران استان در انتخابات ریاست جمهور و شورای شهر پیش رو هیچ شک و تردیدی وجود ندارد، اما آنچه مهم است و جامعه ورزشی باید به آن توجه کرده و با یک انسجام و وحدت نسبت به تحقق آن اقدام نماید. اولاً همانطوری که در بالا اشاره شد اجازه سوء استفاده سیاسی کاران و جریانات سیاسی داده نشود و ثانیاً در انتخاب افراد برای حضور در پارلمان محلی با دقت و وسواس بیشتری عمل شود تا با گذشت زمان از انتخاب خود احساس پشیمانی و ندامت نکنند.

حضور افراد ورزشی و علاقه مند به فعالیت های ورزشی به همراه دارا بودن تخصص های مورد نیاز شورا می تواند نقش بسیار تاثیر گذار در معادلات ورزشی و فعالیت های آن در سطح شهر داشته باشد. دوره ای که روز های پایانی آن را سپری می کنیم متأسفانه به جز افراد معدود، اکثریت اعضا برای ورزش و ایجاد شور و نشاط در جامعه با استفاده از رشته های ورزشی مختلف و تماشاگر پسند قدم های خوبی برداشته اند و در مجموع حرکت هایی بر خلاف نظر و رای و خواست جوانان انجام دادند.

برای این که ورزش بتواند در شورا از جایگاه مناسب برخوردار باشد حضور ورزشی ها و کسانی که به زوایای مختلف فعالیت های ورزشی و نقش و تاثیر آن در توسعه و پیشرفت منطقه آگاهی و آشنایی دارند، می تواند ورزش اردبیل را از حمایتی منطقی و قابل اعتماد برخوردار نماید.

زدن چوب حراج بر یکی از سرمایه های ورزش استان و در نهایت واگذاری رایگان آن به بخش به اصطلاح خصوصی و در نهایت سقوط تیم به دسته پائین تجربه خوبی برای جوانان و علاقه مندان به ورزش بود که این بار در انتخاب خود با دقت بیشتر و بررسی کامل و با توجه به تمام زوایا و پارامتر های مورد نظر برای تشخیص یک فرد ورزشی تمام عیار اقدام نمایند.

این بار حتما و مسلماً ورزشی های اردبیل و تماشاگران و علاقه مندان

به ورزش اجازه ندهند دارد افرادی با استفاده از رای ، موقعیت و محبوبیت آنها به پارلمان محلی راه یابند و در عمل به جای حمایت از ورزش، پرچم مخالفت با آن برافراشته کنند و به طرق مختلف در مقابل خواست و نظر هواداران ورزش بایستند و به جای حفظ و تقویت سرمایه های موجود چوب حراج بر آنها بزنند و زمینه برچیده شدن بساط ایجاد شور و نشاط ورزشی از جامعه را فراهم نمایند.